



بررسی حضور سیاسی و تجاری هند در خلیج فارس

از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۹ میلادی

مرتضی نورائی^۱

فاطمه کیانی گلشوری^۲

چکیده

خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند از زمان‌های قدیم از لحاظ سیاسی، تجاری و اقتصادی مورد توجه اقوام و ملت‌های مختلف بوده و همواره بعنوان با ارزش‌ترین و مهم‌ترین آبراه‌های تجاری-سیاسی جهان از آن استفاده می‌شده است. از این رو کشور هندوستان با سابقه تجاری دیرینه و ریشه دار در این آبراه بعد از استقلال، همواره در تلاش بوده تا نقش مهم تری برای تأمین منافع ملی و حفظ امنیت ملی خویش در دو عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نمایند. و لذا، یکی از مهم‌ترین و نزدیک‌ترین مناطق دارای اهمیت در بحث امنیت منطقه‌ای هند، منطقه خلیج فارس است. با توجه به ملاحظات موجود، این کشور همواره درصدد بوده تا برای تأمین امنیت ملی خویش، بویژه در حوزه انرژی روابط استراتژیک خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس، گسترش داده و عمق بخشد. بنابراین، ایران، عراق و عربستان سعودی بعنوان سه کشور عمده خلیج فارس در دوره مورد تحقیق، بدلیل اهمیت راهبردی مورد توجه بوده است. وجود پتانسیل‌های فراوان برای گسترش و همکاری‌های چند جانبه، کشورهای ساحلی این مناطق را به سوی توسعه و بهبود روابط ترغیب می‌کرده است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی حضور سیاسی-تجاری هند در خلیج فارس و بررسی مناسبات آن با کشورهای عمده این منطقه در خلال سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۷۹ است که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اقتصاد و تکنولوژی فعال هند و نیاز روزافزون این کشور به منابع انرژی حوزه خلیج فارس از یک سو و سرازیر شدن دلارهای نفتی در دامان کشورهای تولیدکننده نفت از سوی دیگر باعث شده است تا هند حضوری مؤثر و پویا در عرصه تجاری و اقتصادی در خلیج فارس داشته باشد. نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی صورت پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: هند، خلیج فارس، روابط خارجی، ایران، عراق، عربستان سعودی.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۲. کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس دانشگاه اصفهان fatemehkiani77@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۶



مقدمه

خاورمیانه و بویژه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک آن همواره از لحاظ سیاسی و اقتصادی برای هند حائز اهمیت بوده است. تعامل دیرینه هند با این منطقه و مرکزیت این حوزه در جهان اسلام، باعث در اولویت قرار گرفتن اهمیت این منطقه از لحاظ سیاسی و تجاری برای هند شده است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ م (۱۳۳۹ ه.ش) و اوایل دهه ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ه.ش) هند موفق شد با بسط پیوندهای تجاری دو جانبه با تعدادی از دولت‌های مسلمان خاورمیانه از جمله ایران، عراق و عربستان سعودی - مهم‌ترین و عمده‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس در دوره مورد تحقیق - دسترسی استراتژیک خود به منطقه را تقویت نماید. این روابط اقتصادی، هند را قادر ساخت تا با ایجاد روابط قوی با این سه کشور، جو نارضایتی کشورهای مسلمان از هند را (بدنبال جنگ‌های متعدد با پاکستان) تلطیف کند. روابط هند و کشورهای خاورمیانه با مواضع ضد اسرائیلی هند در جنگ‌های اعراب و اسرائیل در سالهای ۱۹۶۷ م و ۱۹۷۳ م (۱۳۴۸ ه.ش و ۱۳۵۴ ه.ش) و همچنین حمایت هند از تصمیم اپک برای چهار برابر کردن قیمت‌های نفت، بیشتر تقویت شد. عامل دیگری که هند را وادار به تقویت روابط با کشورهای خاورمیانه و بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس می‌نمود نیاز آن به نفت بود. نفت حدود ۸ درصد از کل واردات هند در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰) را تشکیل می‌داد. این کشور در ازای خرید نفت از کشورهای ایران، عربستان، عراق، امارات متحده عربی و کویت به این کشورها خدمات مهندسی، کالاهای صنعتی و غیره صادر می‌کرد.

مناسبات سیاسی ایران و هند

دو کشور ایران و هند از دوران کهن با یکدیگر داد و ستد و همکاری داشتند، اما این روابط و تعاملات دیرینه برای مدتی پس از تسخیر هند توسط بریتانیا، در آغاز قرن نوزدهم قطع گردید. بریتانیا به طور کلی پیوندهای سیاسی، دیپلماتیک و فرهنگی میان دو کشور را با دو قرن سلطه انحصاری و به دنبال آن اعمال کنترل بر شبه قاره هند از طریق رزمایش، ماشین آلات و غلبه بر آن از میان برد. اما پس از ترک شبه قاره هند توسط دولت انگلستان در اوت ۱۹۴۷ م این روابط مجدداً احیا گردید. (Jorfi, 1995: 257) در این سال اگرچه هند استقلال خود را بدست آورد، اما این استقلال مشروط به بهای تجزیه و ظهور کشور جدید پاکستان بود. نتیجه اجتناب ناپذیر این امر، این بود که هند مستقل، نزدیکی و مجاورت خود را با ایران از دست داد. این میراث از دست رفته را، پاکستان با حدود ۵۹۰ مایل مرز مشترک با ایران بدست آورد. بدرستی و بدون اغراق می‌توان گفت که از آن پس پاکستان، نه تنها از نظر جغرافیایی میان هند و ایران قرار گرفت، بلکه همچنان بعنوان یکی از عوامل تعیین کننده در روابط ایران-هند باقی ماند. (عابدی، ۱۳۸۲: ۱)



قبل از استقلال هند، جواهر لعل نهرو (یکی از رهبران عالی ملی گرای کنگره هند) از تقاضای ایران جهت عقب نشینی نیروهای شوروی حمایت کرد، اما او از انتقاد مستقیم شوروی خودداری کرد. در ایران تلقی مبهمی وجود داشت که یکی از رهبران هند (نهرو) اگرچه پشتیبان ایران است ولی به نظر می‌رسد که به اتحاد شوروی علاقه دارد. اما به رغم این امر، ایران نسبت به هند نظر مساعد داشت. ایران همچنین در اولین سازمان غیر دولتی (کنفرانس روابط آسیایی) که در مارس ۱۹۴۷ در دهلی برگزار شد شرکت کرد. در این گردهمایی، هیئت ایرانی دوستی و نیت خیرخواهانه کشور خود، برای استقلال هند را اعلام نمود. (عابدی، ۱۳۸۲: ۲) در دوره پس از استقلال بخاطر شرایط نظام بین‌المللی تغییر کیفی در روابط دو کشور پدیدار گردید. تا سال ۱۹۴۷، هر دو کشور هند و ایران نتایج حاصله پیچیده از جنگ جهانی دوم را تجربه کردند. ایران خود را عمیقاً درگیر جنگ سرد یافت. ایران کمونیست را، که توسط دست پرورده خود حزب توده - که ارتباط نزدیکی با شوروی داشت - دنبال می‌شد، به عنوان تهدیدی بالقوه بر علیه تمامیت ارضی کشور، نظام اجتماعی و امنیت رژیم می‌دانست. برهمن اساس، شاه آگاهانه یک سیاست مشخص و براساس رابطه نزدیک و حتی صمیمی با ایالات متحده امریکا بعنوان رهبر جهان غرب، در ضدیت با کمونیست افراطی و گسترش سیستماتیک قدرت نظامی را دنبال کرد. از سوی دیگر دولت هند پس از استقلال، خواهان اجتناب از درگیری خارجی و نپیوستن به یک بلوک یا بلوک دیگر بود. سیاست عدم تعهد هند و سیاست پیوستگی ایران به غرب روابط ایران و هند را در دوره پس از جنگ جهانی دوم، تا حدود زیادی تعیین کرد. علاوه بر سیاست پیوستگی و عدم تعهد، عوامل دیگری همچون روابط نزدیک نهرو و جمال عبدالناصر به عنوان رهبر جهان عرب با تفکرات ناسیونالیستی و عامل پاکستان در روابط دو کشور مؤثر بود. (فرح ناز، ۱۳۸۰: ۵۶۲) هنگامی که هند و پاکستان در اوت ۱۹۴۷ مستقل شدند وضعیت جدیدی در شبه قاره هند به وجود آمد. و تأثیرات آن بر برخی کشورهای غربی آسیا، از جمله ایران در حال گسترش بود. دو کشور استقلال یافته، در مسائل بحث انگیز کشمیر و نظریه دو ملت گرفتار شدند. پاکستان از بدو پیدایش با پیروی از ایدئولوژی اسلامی در صدد تحکیم مشروعیت خود و جلب دوستی کشورهای مسلمان منطقه برآمد، از این رو تبلیغات وسیعی را در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بر علیه هند به راه انداخت تا بتواند یک بلوک اسلامی را سازماندهی کند و همچنین مسئله کشمیر را بین المللی نماید. (فرح ناز، ۱۳۸۰: ۲۴۷) بنابراین از سوی مردم و مطبوعات همدردی‌های بسیاری نسبت به پاکستان ابراز می‌شد و دولت ایران هم البته با توجه به ملاحظات جغرافیایی، سیاسی، راهبردی و امنیتی، تمایل بیشتری نسبت به پاکستان از خود نشان داد. این امر از این حقایق روشن می‌شد که ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت و در دهه ۱۹۴۸ روابط دیپلماتیک با آن کشور برقرار کرد. دیگر اینکه لیاقت علی خان، نخست وزیر پاکستان در مه ۱۹۴۹ از ایران دیدار نمود و شاه ایران نیز اولین رئیس کشوری بود که در مارس ۱۹۵۰ از پاکستان دیدار کرد و در همان ماه پیمان دوستی میان ایران و پاکستان به امضا رسید. این حقایق هنگامی که از زاویه دهلی نو، و در میانه روابط تیره هند و پاکستان، در مقایسه با روابط هند و ایران نگریسته شود اهمیت خاصی پیدا



می‌کند. از این دیدگاه می‌توان مشاهده کرد که از اوت ۱۹۴۷، دست کم به مدت ۱۹ ماه روابط دو کشور ظاهراً تیره بود، هر چند که در نوامبر ۱۹۴۷، یک توافق حمل و نقل هوایی امضا شد و در دسامبر ۱۹۴۹ هیأت اقتصادی ایران برای بررسی چشم اندازهای تجارت دو جانبه از هند دیدن کرد. اما روابط سیاسی رسمی هند و ایران از ۱۵ مارس ۱۹۵۰ آغاز شد و دو کشور یک پیمان مودت که "پیمان صلح و دوستی ابد" میان دو کشور نامیده شده است، را امضا کردند. (بهروزان، ۱۳۸۰: ۱۰۸) اما با وقوع سه جنگ ۱۹۴۸، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ بین هند و پاکستان و حمایت‌های همه جانبه ایران از پاکستان، مناسبات بین ایران و هند به تیرگی گرایید اما هیچگاه باعث قطع روابط نشد و روابط اقتصادی و تجاری دو کشور همچنان تداوم یافت.

روابط اقتصادی ایران و هند

در سال ۱۹۵۴ م نخستین گام برای رسمیت دادن به روابط تجاری و بازرگانی دیرینه ایران و هند برداشته شد و روز ۱۵ دسامبر آن سال موافقتنامه بازرگانی و تجاری دو کشور امضا شد. درحالی که در این موافقتنامه هیچگونه ترتیب بازرگانی بخصوص برای اقلام تجاری دو کشور داده نشده بود، اما این توافق بخاطر فراهم کردن اساس کامله الوداد برای بازرگانان و تجار دو کشور حائز اهمیت بود. سپس در سال ۱۹۶۱ م نخستین قرارداد بازرگانی بین ایران و هند امضا شد. منظور اصلی از قرارداد مزبور این بود که مبادله کالاهای سنتی بین دو کشور تسهیل گردد. و اساس لازم برای تحکیم روابط تجاری آینده فراهم شود. از آن تاریخ به بعد تجارت بین هند و ایران با سرعت افزایش یافته است به صورتی که ایران در ناحیه اکافه بعد از ژاپن، و در ردیف دوم طرف معامله هند قرار گرفت. صادرات بیشتر نفت و مواد نفتی از ایران به هند، و واردات ماشین آلات و کالاهای مهندسی و آهن و فولاد از هند بود که باعث افزایش قابل توجه درآمد سرانه دو کشور شد. نفت و مواد نفتی رقم مهم و بزرگ صادراتی ایران به هند بوده است و بعد میزان صادرات گوگرد، بادام، پسته، خرما، کشمش، و خاک سرخ، نیز افزایش یافته است. مذاکراتی نیز برای صدور آمونیاک مایع و اسید فسفوریک از ایران به هند صورت گرفت. در اوایل دهه ۷۰ م صادرات هند به ایران به اقلام سنتی مانند: چای، محصولات کفنی، ادویه و میکا محدود بود. اما با صنعتی شدن سریع هند تغییر قابل توجهی در اقلامی که ایران از هند وارد می‌کرد بعمل آمد. در بین واردات ایران از هند که در حدود ۴۵ میلیون دلار می‌باشد در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) محصولات پیشرفته صنعتی مانند: برج انتقال نیروی برق، کنداکتور، موتور دیزلی، لوله‌های فولادی، واگن راه آهن و لوازم راه آهن، ابزار ماشین آلات سازی، دوچرخه، سیم و کابل برق، محصولات کائوچویی، مواد شیمیایی و غیره سهم بزرگی داشته‌اند. (آئینه هند، ۱۳۵۲: ۱۱-۱۰) جدول زیر نمایانگر میزان متوسط سالانه بازرگانی ایران و هند در خلال سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۵۰ است.

جدول ۱: میزان متوسط سالانه بازرگانی ایران و هند

ارقام به میلیون روپیه

۱۴۲/۹	۱۹۵۰-۱۹۵۹
۴۰۰	۱۹۶۵-۱۹۶۶
۱۰۷۴/۵	۱۹۶۹-۱۹۷۰
۱۴۶۲/۳	۱۹۷۲-۱۹۷۳

منبع: (آئینه هند، ۱۳۵۲: ۱۱-۱۰)

همکاری‌های تجاری مشترک ایران و هند

در ۱۹۶۶ م (۱۳۴۵ هـ. ش) هند با مشکلات جدی اقتصادی ناشی از خشکسالی پی در پی و فقر عمومی مواجه بود. ایندیرا گاندی نخست وزیر در پی یافتن بازار مناسبی برای تولیدات هند رو به سوی ایران آورد و زمینه برای تقویت و گسترش همکاری‌ها فراهم شد. در ۱۹۶۷ م (۱۳۴۶ هـ. ش) وزیر امور خارجه هند در سفر به ایران ضمن تمدید موافقنامه بازرگانی برای سه سال دیگر خواستار تنوع بخشیدن به مبادلات تجاری و روابط اقتصادی دو کشور شد.

تراز مبادلات بازرگانی با احتساب نفت به شرح زیر است:

جدول ۲: تراز مبادلات بازرگانی با احتساب نفت

صادرات هند به ایران (صد هزار روپیه)	واردات هند از ایران (صد هزار روپیه)	
۴۸۵	۲۹۰۲	۱۹۶۴-۶۵
۵۹۵	۳۴۰۸	۱۹۶۵-۶۶
۹۳۳	۲۸۹۰	۱۹۶۶-۶۷

ایران از شرکت نفت هند دعوت کرد که در جلسات نفتی در خلیج فارس همراه با شرکت ملی نفت ایران و شرکت امریکایی فلیپ و شرکت ایتالیایی حضور پیدا کند. این فرصت مغتنمی برای هند بود که کاربرد تکنولوژی جدید و چگونگی مدیریت عملیات را تجربه کند. دیدار شاه در دیماه ۱۳۴۷ (ژانویه ۱۹۶۹) امکانی را برای توسعه مبادلات تجاری و گسترش روابط اقتصادی فراهم آورد. و با تشکیل کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی و فنی بر جستجو طرق مؤثر برای افزایش و رونق روابط تاکید شد. انتقال تکنولوژی، سرمایه گذاری‌های مشترک صنعتی و



توسعه تجاری متقابل مانند تولید آمونیاک در ایران و امکان احداث کارخانه تولید واگن مورد بررسی قرار گرفت. پالایشگاه مدارس در این سال افتتاح شد. دومین نمایشگاه بین المللی بازرگانی در مهرماه ۱۳۴۸ در تهران دایر شد. شرکت ها و بازرگانان هند شرکت چشمگیری داشتند. در سال ۱۳۴۹ پروتکل جدیدی برای اعطای تسهیلات تازه برای اجرای توافقی های تجاری و صنعتی به امضا رسید. قرارداد خرید واگن در سال ۱۳۵۰ امضا شد و در فروردین ۱۳۵۱ اعضای اتاق های بازرگانی هند به تهران سفر کردند. مشارکت بخش خصوصی هند با دولت ایران در اجرای پروژه ها مانند تولید لوله، موتورهای الکتریکی و ترانسفورمرز، لوازم یدکی اتومبیل و یدکش صنعتی قابل ذکر است. (دستمالچی، ۱۳۹۳: ۴-۲۰۳)

کمیسیون مشترک ایران و هند

در اواخر دهه شصت میلادی برای اولین بار موضوع ایجاد یک کمیسیون عالی در سطح وزیران دو کشور ایران و هند به منظور نظارت بر کلیه امور تجارت، صنعت، حمل و نقل و غیره توجه مقامات این دو کشور را جلب کرد. اما در ماه ژانویه ۱۹۶۹ م (۱۳۴۸ هـ. ش) شاه در بازدید رسمی از هند، این فکر را که تا آن روز از مرحله اولیه خارج نشده بود، جامه عمل پوشانید و در نتیجه اسناد و اوراق لازم برای همکاری اقتصادی، بازرگانی و فنی در ۲۲ ژانویه ۱۹۶۹ مبادله شد و کمیسیون مزبور تأسیس گردید. هدف عمده ای که در زمینه فعالیت کمیسیون پیش بینی شد شامل، بررسی و مطالعات مشترک درباره منابع، امکانات و احتیاجات دو کشور به منظور تحکیم و توسعه رشد اقتصادی، افزایش تجارت، همکاری میان بخش های مختلف اقتصادی، تماس بین مؤسسات مالی، صنعتی و بازرگانی، مبادله متخصص، فراهم کردن تسهیلات کارآموزی و آموزشی و اجرای طرح هایی به سود دو کشور بود. به منظور بررسی امور فوق در سطح متخصصین گروه ها و کمیته های مشترک کار برای موضوعات پنجگانه صنعت نفت و پتروشیمی، بازرگانی، حمل و نقل و همکاری فنی تشکیل شد. یک شورای عالی اجرایی نیز برای بررسی پیشنهاد و توجیه کمیته های مختلف و پیش بردن تصمیمات متخذه شورای وزیران تعیین شد. نحوه همکاری اقتصادی ایران و هند، امکانات وسیع و ثمربخشی را برای طرفین فراهم کرده بود. میزان پیشرفت متفاوت بوده است به این معنی که در زمینه نفت، تجارت و همکاری های فنی، امیدبخش بوده است. ولی در زمینه صنعت و حمل و نقل کمتر از آنچه موردنظر بوده می باشد. به هنگام احداث کارخانه ذوب آهن اصفهان در سال ۱۳۴۶، دولت ایران ۵۰۰ نفر کارآموز ایرانی را برای فراگرفتن تکنولوژی فولادسازی به هند اعزام داشت. بعلاوه کارآموزان متعدد ایرانی تحت طرح کلمبو و برنامه های دو جانبه دیگر برای آموزش در رشته های مختلف مانند تعاون، صنایع کوچک، تکنولوژی خطوط راه آهن، کشف جنایات و غیره به هند اعزام شدند. متخصصین هندی نیز به سازمان های مختلف ایرانی بخصوص راه آهن و سازمان صنایع کوچک در امر ایجاد مؤسسات تخصصی در داخل کشور ایران کمک های ارزنده ای نمودند. (آیینه هند، آذر-دی ۱۳۵۲: ۱)



از اوایل دهه ۷۰ م به بعد روند مناسبات تجاری ایران و هند سیر صعودی داشت. پس از چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳، اپک قیمت نفت را دو برابر کرد و دوباره در اوایل سال ۱۹۷۴ قیمت نفت را تا دو برابر دیگر افزایش داد. درآمد حاصله از این امر، ایران را در موقعیتی قرار داد که برنامه‌های توسعه ای مشترک خود را با دیگر کشورها افزایش دهد. ایران دریافت که هند به یک قدرت منطقه ای در جنوب آسیا تبدیل شده است و ضروری بود ایران برای تقویت موقعیت خود در منطقه، عادی سازی روابط را مورد توجه قرار دهد، بنابراین تصمیم گرفته شد روابط سیاسی و اقتصادی خود را با آن کشور مستحکم تر کند. (فرح ناز، ۱۳۸۰: ۵۶۸) در نتیجه افزایش محسوسی در همکاری‌های اقتصادی بین ایران و هند صورت گرفت. شاه در فکر صنعتی کردن کشور بود و مایل بود تا از فنآوری و نیروی کار ماهر هند در این راستا بهره گیرد. هند هم از آنجا که به سرمایه‌های خارجی و تسهیلات اعتباری برای برنامه بزرگ صنعتی کردن کشور نیاز داشت، بدنبال سرمایه گذاری کشورهای غنی نفتی مانند ایران بود که بخاطر افزایش قیمت نفت به سرمایه‌های مازاد دست یافته بودند. (عابدی، ۱۳۸۲: ۹) دو کشور دارای اقتصادهای مکمل بودند که همین امر موجب افزایش همکاری‌های بین آن‌ها در دهه ۷۰ م شده بود. علاوه بر این هند با داشتن روابط نزدیک با ایران، می‌توانست حمایت ایران از پاکستان را خنثی کند. اگر چه هم هند و هم ایران مواضع خود را داشتند، اولی در مورد جهان عرب و دومی در مقابل پاکستان، اما بطور ضمنی توافق شد که این امور نباید مانعی بر سر راه علایق توسعه ای آن‌ها قرار بگیرد. دیدار سیاستمداران مهم از کشورهای یکدیگر، روابط اقتصادی را ثبات بخشید و موجب تفاهم سیاسی شد. در ژوئیه ۱۹۷۳ وزیر امور خارجه هند، سردار سوران سینگ از ایران دیدار کرد. در دسامبر ۱۹۷۳، وزیر امور خارجه ایران عباسعلی خلعتبری سفری به هند داشت. جلسه کمیسیون مشترک دو کشور در ژوئیه ۱۹۷۴ در دهلی نو برگزار گردید و در فوریه ۱۹۷۴ در تهران ادامه یافت. نخست وزیر هند، ایندیرا گاندی و وزیر امور خارجه، سوران سینگ در آوریل ۱۹۷۴ سفری رسمی به ایران داشتند. در این ملاقات درباره موضوعات مهم بین المللی، منافع متقابل و روابط دوجانبه تبادل نظر گردید. طی سال ۱۹۷۵ نیز ملاقات‌های متعددی صورت گرفت. در نوامبر ۱۹۷۵ وزیر امور خارجه هند دیداری از ایران داشت تا در کمیسیون مشترک هند و ایران در امر تجارت و همکاری‌های فنی شرکت کند. یکی از دستاوردهای مهم این سفر، نهایی شدن توافق ۳۶۰ میلیون دلار برای بهره برداری از طرح سنگ آهن کودرموخ بود که بر اساس آن سنگ آهن مورد نیاز شرکت ملی فولاد ایران، از هند به ایران حمل می‌شد که این توافق، نقطه عطفی در روابط اقتصادی هند و ایران به شمار می‌آمد. از دیدارهای مهم دیگر، دیدار نخست وزیر، سراجی دسائی در ژوئن ۱۹۷۷ از ایران و از طرف ایران سفر شاه و همسرش به هند در فوریه ۱۹۷۸ بود. این ملاقات‌ها در سطح عالی بر منافع مشترک و همکاری‌های چند جانبه اقتصادی تاکید داشت. همچنین همانگونه که قبلاً اشاره شد در مورد موضوعات اصلی بین المللی مانند خلع سلاح، مسئله خاورمیانه و حفظ اقیانوس هند بعنوان منطقه صلح، نظرات یکسانی بین سران دو کشور مبادله شد. همانگونه که مطرح شد برخی تحولات در دهه ۱۹۷۰ انگیزه‌های جدیدی را برای ارتقاء تعاملات بویژه در عرصه اقتصادی، میان ایران و هند به سود دو طرف بوجود آورد.



براین اساس بود که توافق‌هایی در زمینه پروژه سنگ معدن ایران - کودرموخ، بندر منگلو، کارخانه آلومینای کارناتا، کارخانه فلفل در منطقه فرماندهی کانال راجستان و شرکت کشتیرانی ایران و هند به امضا رسید. روشن‌ترین چشم انداز برای تعامل اقتصادی میان ایران و هند در زمینه تجاری بود. ظرفیت و توان ایران برای جذب صادرات هند به گونه‌ای بود که در حالی که ارزش صادرات ایران در سال ۱۹۷۴ کمتر از دو برابر صادرات آن در سال ۱۹۷۳ بود، ارزش صادرات هند به ایران در همین دوره پنج برابر افزایش یافت. اما بر خلاف این افزایش دوره‌ای در صادرات هند به ایران، ارزش مبادلات تجاری در مقایسه با تجارت جهانی هر دو کشور همچنان اندک بود. (عابدی، ۱۳۸۲: ۱۰)

پروژه‌های صنعتی مشترک ایران و هند

دو کشور ایران و هند در دوره‌های مختلف روابط چند جانبه در زمینه‌های گوناگون داشته‌اند و همکاری صنعتی دو کشور روابط دیرینه آن‌ها را توسعه و تداوم بخشیده است. به دنبال تشکیل و فعالیت کمیسیون مشترک ایران و هند، کمیسیون مزبور توجه خاصی به اجرای پروژه‌های مشترک در دو بخش عمومی و خصوصی مبذول داشت. در بخش عمومی [دولتی] شرکت ملی نفت ایران در پالایشگاه مدراس [در جنوب هند] که با مشارکت دو کشور احداث گردید و باعث تقویت صنعت نفت هند شد سهمیم بود. احتیاج‌های نفت خام این پالایشگاه از میدان نفتی داریوش [فروزان] در ایران تأمین می‌شد. علاوه بر آن ایران در پروژه پتروشیمی مدراس نیز شرکت کرد و در ۲۵ درصد سهام آن مشارکت داشت. از طرف دیگر کمیسیون نفت و گاز طبیعی هند در مشارکت با شرکت ملی نفت ایران و شرکت امینیکو در امر اکتشافات و بهره برداری نفت در بعضی مناطق شمالی خلیج فارس از جمله منطقه فلات قاره شرکت داشت. در تعقیب مذاکرات کمیسیون مشترک، مأمورین دو کشور امکانات احداث کارخانه واگن سازی در ایران را فراهم ساختند. بر اساس قراردادی که در سال ۱۳۵۶ در تهران به امضا رسید هند ۵۰ هزار تن ریل راه آهن با مشخصات یو-۳۳ به ارزش ۴۰ میلیون دلار به ایران صادر کرد و در حدود ۲۰۰ هزار تن ریل پیش از این به راه آهن دولتی ایران فروخته بود. همچنین ایجاد و احداث کارخانه آمونیاک و سیمان را در ایران مورد مطالعه قرار دادند. در زمینه پتروشیمی، مذاکرات جهت خرید مواد اولیه از ایران برای تهیه کود شیمیایی در هند انجام شد. در بخش خصوصی نیز شرکت مهندرا و شرکت مهندسی کمانی و چند شرکت دیگر برای اجرای پروژه‌هایی مشترک در رشته‌های مختلف با صاحبان صنایع ایرانی به توافق رسیدند. (آئینه هند، ۱۳۵۰: ۱۴-۱۳)

روابط سیاسی هند و عراق

روابط هند و عراق را می‌توان در دو مرحله مورد بررسی قرار داد، مرحله اول از ۱۹۴۷ م تا ۱۹۵۸ م (۱۳۲۸ تا ۱۳۳۹) و مرحله دوم که با کودتای سال ۱۹۵۸ در عراق آغاز می‌شود و رژیم سلطنتی سرنگون و یک رژیم بعثی رادیکال در بغداد تأسیس می‌شود. روابط هند و عراق در شرایط نسبتاً مثبتی پس از استقلال هند آغاز شد و هر دو کشور به



برقراری روابط تمایل داشتند. و با در نظر گرفتن منافع مشترک دو کشور، در نوامبر ۱۹۵۲ م (۱۳۳۱)، معاهده دوستی با یکدیگر منعقد کردند. (Mudiam, 1991: 130)

به نظر می‌رسد رژیم پادشاهی در عراق، مانند سایر رژیم‌های پادشاهی منطقه سیاست محافظه کارانه‌ای داشت. اما آن را به معنای دفاع از اسلام با انگیزه‌های سیاسی و برای رفع تهدید رژیم‌های ناسیونالیسم رادیکال عربی مطرح می‌کرد. از این رو، گرایش عراق به سمت پاکستان حتی قبل از کودتای رژیم بعثی، در درجه اول سیاسی بود نه مذهبی. گذشته از آن فاکتور پاکستان از اهمیت کمتری در معادله هند و عراق برخوردار بود تا معادله هند و ایران. زیرا بعید به نظر می‌رسید که عراق سهم مستقیم سیاسی یا امنیتی در ثبات و پایداری پاکستان داشته باشد. با این وجود، هند بی‌اعتنا به روابط پاکستان و عراق و بدون در نظر گرفتن فاکتور پاکستان روابط خود را با عراق توسعه داد. (M.S.Agwani,P;164)

معاهده بغداد ۱۹۵۵

پیمان بغداد به ابتکار بریتانیا و آمریکا، و به هدف ایجاد کمربندی دفاعی و امنیتی بر ضد توسعه طلبی اتحاد جماهیر شوروی و حفاظت از ذخایر نفت و گاز منطقه خلیج فارس و جلوگیری از گسترش اندیشه کمونیسم در میان کشورهای نفت خیز منطقه تشکیل شد. این پیمان در ابتدا میان عراق و ترکیه و با توافق نوری سعید، نخست وزیر عراق و عدنان مندرس، نخست وزیر ترکیه و با حمایت انگلستان در فوریه ۱۹۵۵ م (۱۳۳۴ هـ. ش) منعقد شد. و به فاصله کمی از این توافقات، ایران، پاکستان و انگلیس به طور رسمی در بغداد به آن ملحق شدند و این پیمان با نام معاهده بغداد به ثبت رسید. این پیمان به دلایلی که در ذیل بیان شده است ضربه‌ای بود به توسعه روابط هند و عراق. از جمله اینکه، در ابتدا هند به کلی مخالف پیمان بغداد بود زیرا آن را در تضاد منافع خود می‌دید، دوم اینکه هند نگران پیمان بغداد بود به این دلیل که پاکستان در آن عضویت داشت و هند از آن بیم داشت که پاکستان از سهم خود برای فشار آوردن به هند در اختلافات متقابل دو کشور سوء استفاده کند و در نهایت، دولت عراق بعد از پیوستن به معاهده بغداد حمایت دیپلماتیک و سیاسی گسترده‌ای در مورد کشمیر از پاکستان بعمل آورد. (Jawaharlal Nehru, 1961, p;94)

با این حال، موضع عمومی عراق درباره کشمیر این بود که مسئله کشمیر باید از طریق رفرا اندم حل شود. زیرا جنگ و ناامنی در اقیانوس هند بر امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس تأثیر می‌گذارد و کشورهای حوزه خلیج فارس نگران کشیده شدن مناقشه به خلیج فارس هستند و عراق به عنوان یکی از اعضای ملل متحد و پیمان بغداد حق دارد نسبت به هر چیزی که امنیت منطقه را مختل کند حساس باشد چون این موضوع با صلح و امنیت جهانی ارتباط دارد. (Mudiam, 1991,P: 133)



کودتای ۱۹۵۸ م (۱۳۳۷ هـ. ش) حزب بعث در عراق

کودتای رژیم بعث در بغداد در سال ۱۹۵۸ م (۱۳۳۷ هـ. ش) یک رویداد مهم و خوشایند از دیدگاه سیاستگذاران هندی بود. زیرا اول: کودتا در بغداد، ناقوس مرگ پیمان بغداد را که هند به شدت از آن بیم داشت و شدیداً مخالف آن بود را به صدا درآورد. همانطور که نهرو به راجیا سابا (مجلس سنا) در آگوست ۱۹۵۸ گفت: «همه طرح اولیه و تکوینی پیمان بغداد بر پایه ای غیر واقعی استوار بود». (JawaharLalNehru, 1961, p:95)

دوم: هند انتظار داشت که ظهور رژیم بعث در بغداد به نیروهای غیر متعهد و سکولار در خاورمیانه کمک کند. رژیم بعث یک موضع غیر متعهد در امور خارجه و یک سیاست سکولار اصیل در حوزه دیپلماتیک و بین المللی اتخاذ کرد. به این ترتیب، شکی نبود که تقویت نیروهای غیر متعهد و سکولار در منطقه رویدادی بود که هند توانایی انجام آن را نداشت اما با یک حسی رضایتمندی و شاید حقانیت از آن استقبال کرد.

سوم: هند امیدوار بود که رژیم بعث حمایت و پشتیبانی از پاکستان را کنار بگذارد. واقعیتی که اتفاق نیفتاد. حمایت عراق از مواضع پاکستان در کشمیر بعد از ۱۹۵۸ همچنان ادامه داشت. و این موضوع عمدتاً به خاطر روابط دوستانه عراق با پاکستان بود و اینکه پاکستان عامل مفیدی بود برای رقابت عراق با مصر برای رهبری جهان عرب. تغییر نظام در بغداد رقابت سنتی بین عراق و مصر را بهم زد و رژیم بعثی با وجود وابستگی ایدئولوژیک با ناصر، تمایلی نداشت که نقش درجه دومی نسبت به ناصر داشته باشد. (Mudiam, 1991, p:134-6)

اهمیت توسعه روابط تجاری هند و عراق

گسترش روابط هند و عراق در اوایل دهه ۷۰ م نه تنها برای دو کشور مهم بود بلکه آغازی بود برای زمینه سازی روابط دیپلماتیک هند در منطقه خلیج فارس. روابط عمیق هند با عراق روند توافقات سیاسی و همکاری اقتصادی پر سود بعدی هند با دیگر دولت های خلیج فارس را تسهیل کرد. (Mudiam, 1991, p:144)

دو کشور در ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ هـ. ش) موافقتنامه همکاری های علمی و فنی را به امضا رساندند که تبادل افراد فنی، اعطای بورس آموزشی، بازدید کارشناسان، مبادله و تأمین اسناد فنی، تجهیزات کالاهای بومی، همکاری و فعالیت علمی بین مؤسسات و ارگان های علمی و فنی دو کشور را در بر می گرفت و نیز ایجاد کنسولگری و انجام مطالعات مناسب با موضوع منافع دو جانبه را شامل می شد. در اکتبر ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱ هـ. ش) عراق در مورد دادن وامی به هند که شامل بخش عمده ای از تقاضای تبادلات خارجی از پالایشگاه مدورا (میسور) بود به توافق رسید که ۷۵ میلیون دلار برآورد شد. همچنین دو کشور در مورد تشکیل کمیته برنامه ریزی مشترک با موضوع مطالعه و بهره وری فعالیت های برنامه ریزی شده دو کشور در جهت منافع متقابل توافق کردند. در آوریل ۱۹۷۳ م (۱۳۵۲ هـ. ش) عراق برای تهیه ۳۰ میلیون تن نفت خام به هند طی یک دوره ۱۰ ساله برای پالایش و آغاز به کار در مدورا در طول سالهای

۷۸-۷۷ توافق کردند. همچنین برای تمدید اعتبار ۵۰ میلیون دلار به صورت نفت خام توافق نامه ای منعقد کردند.
(The Hindu, 7 april 1973)

در آگوست ۱۹۷۳ هند و عراق به توافقی دست یافتند که اجازه می‌داد کمیسیون نفت و گاز طبیعی هند (ONGC) برای یافتن نفت در بعضی مناطق ویژه در عراق اقدامات لازم را به عمل آورد. (The Hindustan times, 24 aug 1973)

بنابراین غیر عادی به نظر نمی‌رسد که در این دوره عراق به عنوان منبع اصلی تأمین نیازهای نفتی هند موجبات افزایش مناسبات دو جانبه را فراهم کرده باشد. تقویت مناسبات هند و عراق از اوایل دهه ۷۰ میلادی آغاز شد و بتدریج توسعه یافت. البته افزایش بهای نفت در بازار جهانی در انگیزه هند بی تأثیر نبود. سال ۱۹۷۸ عراق حجم واردات خود را از هند دو برابر ساخت و این امر، امیدواری هند را افزون ساخت. در همین سال ها، شرکت‌های هندی طرح‌های ۲۵۰ میلیون دلاری را در عراق در دست اجرا داشتند. کمپانی پروژه‌های فنی هند قراردادهایی به ارزش ۱۸۶ میلیون دلار منعقد ساخته و شورای کمپانی‌های هند مشغول مطالعه برای شرکت در طرح‌های بیشتر بود. در سال ۱۹۷۹ به غیر از طرح‌های صنعتی، عراق نوید افزایش واردات از هند، همکاری در بخش کشاورزی و حتی نظامی را داد. (باومن و کلارک، ۱۳۶۹: ۳۵)

روابط سیاسی هند و عربستان سعودی

روابط هند و عربستان به ارتباط متقابل بین جمهوری هند و پادشاهی عربستان سعودی برمی‌گردد. روابط دیپلماتیک و رسمی بین هند و عربستان سعودی همزمان بعد از استقلال هند آغاز شد. روابط دو کشور به دلیل همکاری‌های منطقه‌ای و تجاری تقویت شد. (Gauri, 2013, p:45)

اما روابط دو کشور همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. رهبران سیاسی هند از ابتدا نسبت به عربستان نگران بودند با توجه به اینکه عربستان دولتی پادشاهی و مفتی سالار بود، هند در توسعه روابط دوجانبه احتیاط می‌کرد. عربستان یکی از کشورهای عمده و بزرگ از نظر جغرافیایی، جمعیتی و پتانسیل اقتصادی در منطقه بود. از سوی دیگر این کشور سرپرست حرم مقدس الهی و تجلی گاه جهان اسلام به شمار می‌رفت. هند درباره امکان ایجاد یک بلوک اسلامی تحت تأثیر و ترغیب پاکستان نگران بود و مهم‌ترین و ضروری‌ترین مسئله برای هند، ایجاد روابط مسالمت آمیز و دوستانه با عربستان بود تا با استفاده از یک پوشش دیپلماتیک از نفوذ پاکستان جلوگیری کند و یک مانع مؤثر برای شورش هر گروه اسلامی باشد. (Mudiam, 1991, pp:199-200)

اولین دیدار سران دو کشور

اولین ارتباط سیاسی در سطح روسای دو کشور در دسامبر ۱۹۵۵ م (۱۳۳۴ هـ. ش) زمانی که پادشاه عربستان برای یک ملاقات کوتاه به دهلی نو رفته بود اتفاق افتاد. در پایان ملاقات، بیانیه‌ای صادر شد که منعکس کننده یک



هارمونی مطمئن در دیدگاه سیاسی پادشاه عربستان و نخست وزیر نهری بود. هر دو رهبر بر مسالمت و عدم تخاصم، به عنوان یک ضرورت آنی در رده بندی جهانی تاکید داشتند. همچنین دو کشور بر پنج اصل توافق داشتند از قبیل: احترام به خودمختاری و تمامیت ارضی، عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، احترام متقابل و برابری و همزیستی مسالمت آمیز، که به عقیده آن‌ها تنها بر یک اساس پایدار برای مسالمت و همکاری موجود در میان ملت‌های دنیا تأمین می‌شود. علاوه بر این، پادشاه عربستان به عنوان متولی حرم مقدس مسلمانان بیانی ابراز داشت و به طور علنی از نهری و دولت هند برای سیاست‌هایشان در برابر اقلیت مسلمانان هند سپاسگزاری کرد. او اظهار داشت که: "من خواهان این هستم که به همه برادران مسلمانم بگویم که جهان خشنود است که سرنوشت مسلمانان هند در دستانی امن است." این بیانیه از نقطه نظر هند، به دلیل پافشاری انتقاد آمیز پاکستان در مورد ادعای سیاست تبعیضی دولت هند نسبت به اقلیت مسلمان هند با اهمیت بود. (Mudiam, 1991, pp:199-200)

نهری در دسامبر ۱۹۵۶ م (۱۳۳۵ هـ. ش) دیداری از ریاض داشت. در بیانیه ای که در این دیدار با موضوع فرصت و الزامات بود هر دو طرف بر تبعیتشان از اعلامیه کنفرانس بانوگ تاکید کردند. در این سفر از وی به گرمی با شعار (مرحبا یا رسول السلام) استقبال شد که این امر منجر به بحث فراوان و دلخوری در پاکستان شد. سفارت سعودی در کراچی بیانیه ای در تفسیر این موضوع صادر کرد دایر بر اینکه معنای آن شعار (خوش آمدی فرستاده صلح) بود نه آنگونه که مردم پاکستان تفسیر کرده‌اند، اما پاکستان تسکین نیافت. با توجه به نگرش غیردوستانه ملک فهد و عبدالناصر در قبال پاکستان، روزنامه داوون به مردم پاکستان اندرز می‌داد که با آرامش و خویشن داری این حقایق تلخ را مورد بررسی قرار دهند و بیش از این از به اصطلاح جهان اسلام متوقع نباشند و بپذیرند که در حال حاضر مردم پاکستان در ترویج ایدئولوژی اسلامی تنها هستند. (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۲۲۱)

گسترش روابط دو جانبه هند و عربستان

همکاری اقتصادی با کشورهای خلیج فارس بخصوص در زمینه انرژی و فراورده‌های نفتی از جایگاه ویژه ای در اقتصاد سیاسی هند برخوردار است. در می ۱۹۷۳ م (۱۳۵۲ هـ. ش) هند بر سر یک معامله نفتی با عربستان به توافق رسید. عربستان برای تأمین ۳/۳ میلیون تن نفت خام طی ۳ سال از ژوئن ۱۹۷۳ به میزان ۱/۱ میلیون تن در هر سال موافقت کرد. اما در طی تحریم نفتی که به دنبال جنگ (یوم کیپور) در ۱۹۷۳ بین اعراب و اسرائیل روی داد، عربستان سعودی ۹ کشور را که پاکستان، مالزی و انگلیس نیز شامل آن می‌شدند از قطع تأمین نفت معاف کرد. که نام هند نیز

در این لیست نبود. (Motherland, 6 nov, 1973)



با این وجود چند روز بعد وزیر امور خارجه عربستان سلیمان الناصر به دهلی نو اطمینان داد که تأمین نفت به هند متوقف نخواهد شد. او همچنین اضافه کرد که روند ارسال نفت طبق برنامه زمانبندی شده انجام خواهد شد. (The Indian express, 10nov, 1973)

توافق نامه سیملا در اوایل ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳ ه. ش) توسط هند، پاکستان و بنگلادش امضاء شد. به دنبال آن همه زندانیان به پاکستان برگشتند و روابط در شبه قاره عادی شد و مسیر پیشگامی هند برای هموارکردن شرایط یک گفتگوی هدفمند با عربستان مساعد شد. ملاقات دکتر دهار، وزیر برنامه ریزی هند به جده در ۱۹۷۴ در جهت اجرا و تسهیل این فرایند بود. (Mudiam, 1991, pp 213-74)

منافع اقتصادی هند در خاورمیانه

تعاملات هند با خاورمیانه عاملی در محاسبات سیاست گذاران هندی از زمان استقلال تا به حال بوده است. با این حال، در این فصل، تلاش می شود روی روابط اقتصادی هند با منطقه از زمان رونق و شکوفایی نفتی در اواسط سال های ۱۹۷۰ تمرکز شود. در انجام این کار، به منظور ارزیابی اهمیت نسبی عوامل اقتصادی در مقابل منافع سیاسی - استراتژیک در منطقه تلاش هایی صورت گرفته است. می توان استدلال کرد که علیرغم افزایش قابل توجه شهرت اقتصادی هند در منطقه، هند منافع سیاسی و امنیتی پایداری در خاورمیانه دارد. برای ملاحظه دورنمای منافع اقتصادی هند در منطقه، تلاش هایی در جهت تعاملات اقتصادی هند با منطقه و اهمیت آن ها در اهداف و استراتژی های هند انجام گرفته است.

در این مرحله، شایسته است که قبل از اقدام به بررسی تعاملات اقتصادی هند با خاورمیانه در بخش های خاص، ملاحظات کلی در رابطه با سیاست اقتصاد خارجی هند انجام گیرد. هند کشوری بزرگ با جمعیتی عظیم است و سرشار از منابع طبیعی مختلف می باشد. به همین دلیل، نیازی به تأکید بیش از حد اهمیت بازار داخلی در برنامه های هند برای توسعه ملی نیست. "در حالیکه تأکیدات متفاوتی می تواند وجود داشته باشد، نمی توان مرکزیت بازار داخلی را در استراتژی توسعه ای هند انکار کرد. اقتصاد قاره ای هند هیچ گونه اجبار ساختاری برای تعقیب مسیر رشد تحت سلطه صادرات ندارد، صادرات را به حال خود رها می کند تا منجر به رشد شود. اگر این کشور هنوز مجبور باشد که صادراتش را رو به جلو حرکت دهد، نخست به این دلیل است که صادرات به پرداخت منابع اساسی که برای ساخت یک اقتصاد ملی بسیار ضروری هستند، کمک می کند. (Girijeshe, 1987:177)

دوم اینکه، هند (یا هر کشور دیگری در این رابطه) نه ثروت باد آورده نفت را پیش بینی کرده بود نه آماده سود بردن از آن بود. این، کم و بیش اتفاقی بود که باعث غفلت و بی خبری هند در زمینه اقتصادی شد. در کوتاه مدت، این موضوع تنها محدودیت ها و کهنگی ساختار صنعتی هند را نمایان می کرد.



سوم و نهایتاً اینکه، خودکفایی تبدیل به هدف مرکزی و بلند مدت برنامه ریزی و توسعه اقتصادی هند شده است. پس، لازم است که روابط اقتصادی هند با خاورمیانه را در پرتو این هدف مهم و تلاش ملی هند بررسی کرد. (Mudiam, 1991: 297)

تجارت

تجارت هند با کشورهای خاورمیانه از زمان رونق و شکوفایی نفتی از سرگرفته شد. ولی با وجود پیشرفت قابل ملاحظه در روابط سیاسی، سهم هند در کل واردات این کشورها به طور قابل توجهی اندک بود. از زمانی که تجار هندی از یک بازار داخلی بزرگ محافظت شده بهره بردند به شدت احساس ضرورت و نیاز برای صادرات به سایر نقاط دنیا در یک فضای رقابتی را داشتند. جدول شماره ۱ (پیوست) بیانگر این ادعاست. با این وجود، به گفته یکی از اعضای بانک جهانی، "از خیلی پیش تر، نگرش صادرات قابل قبول به عنوان یک بخش جدایی ناپذیر از سیاست هند، نادیده انگاشته شده بود." (Anoop Babani, 1988, p:33) از این رو وقتی که رونق نفتی در اواسط دهه ۷۰ بوجود آمد هند نه آن را پیش بینی کرده بود و نه برای این رویداد آماده شده بود. هند در نفوذ به بازارهای خاورمیانه و گسترش آن چندان موفق نبود. دلایل این امر فقدان عملکرد درخشان در این زمینه بود. (Marcus Franda, 1978, p:6)

کارگر

افزایش فوق العاده بهای نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و کمبود شدید نیروی انسانی، موج عظیمی از نیروی کار مهاجر را به کشورهای حوزه خلیج فارس روانه کرد، که در تاریخ بی سابقه بود. در ابتدا اکثر کارگران مهاجر اتباع کشورهای عربی بودند و سپس آسیایی ها نیز از کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، ترکیه، افغانستان، کره جنوبی و اندونزی به آن ها پیوستند. (فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۶۶: ۲۴۵) گرچه برآوردها متفاوت است و آمار دقیقی موجود نیست ولی احتمالاً تا اوایل دهه ۸۰ میلادی بالغ بر ۶ میلیون کارگر مهاجر در منطقه خلیج فارس مشغول کار بوده اند که در میان آن ها بیش از ۲ میلیون نفر عرب، ۳/۷۵ میلیون نفر آسیایی و بقیه آفریقایی، اروپایی و آمریکایی بودند. باید توجه داشت که تعداد این کارگران مهاجر در سال ۱۹۷۰ به حدود ۶۶۰ هزار نفر می رسید و در سال ۱۹۷۵ به ۱/۲۵ میلیون نفر بالغ شد، که در حدود یک پنجم آن ها آسیایی (در درجه اول هندی ها و پاکستانی ها) قرار داشتند. (Middle East Review, 1986 p:24) در همین راستا، صدور کارگر هندی به خاورمیانه از اواسط دهه ۷۰ قابل توجه بود. جدول شماره ۲ (پیوست) افزایش مداوم جریانات کارگری را به صورت سالانه از منطقه ای در هند مشخص می کند. که در اواسط دهه ۸۰ به اوج خود می رسد. جدول شماره ۳ (پیوست) نیز ارزیابی از جمعیت مهاجر هند را به خاور میانه بین سالهای ۱۹۷۵ م (۱۳۵۴ ه ش) و ۱۹۷۸ م (۱۳۵۷ ه ش) وقتی که به اوج خود در حدود یک میلیون نفر می رسد، نشان می دهد. دو مشخصه مهم بین مهاجران هندی به خاورمیانه وجود دارد. یکی



اینکه، بیشتر این مهاجران در طیف پایینی از مهارت و درآمد قرار داشتند چه قبل از عزیمتشان از هند و چه در محل کار خود در خاورمیانه. جدول شماره ۴ (پیوست) این نکته را با صراحت نشان می‌دهد. دیگر اینکه تعداد زیادی از این مهاجرین، مهاجرین موقتی هستند که بعد از یک دوره کاری در آن سوی دریاها که اغلب بیش از ۲ سال نیست، به هند برمی‌گردند. (Deepak Nayyar, 1988,p:5) با توجه به این حقیقت که اقتصاد هند همواره مزاد کارگری بزرگی داشته و همچنین ماهیت موقتی مهاجران به خاورمیانه، تأثیر کمی بر تعداد بیکاران در هند داشته است. (Mudiam, 1991,p:300)

البته کارگران مهاجر هندی در کشورهای عربی با مشکلاتی نیز مواجه بودند. آن‌ها احساس می‌کردند که تبعیضاتی بین آن‌ها و سایرین و بخصوص متخصصان غربی و بومی قائل می‌شوند که این امر گاه منجر به اعتصاب و سایر عکس‌العمل‌ها می‌گردید. ولی دولت و شرکت‌های هندی به تجربیات خود می‌افزودند و موارد یاد شده را به حداقل می‌رساندند. در اوایل سال ۱۹۷۹ وزیر کار کشور هند از عراق، کویت، بحرین و امارات دیدن کرد تا موقعیت کارگران هندی را از نزدیک بررسی و ارزشیابی کند. بر حسب تصادف آمار و ارقامی از کارگران مهاجر هندی ارائه شده بود که قابل تأمل است. به طور مثال ۱۶ هزار هندی برای اجرای طرح‌های مختلف در کویت استخدام شده بودند. این رقم شامل تعداد نفراتی که تحت قراردادهای مختلف و دو جانبه و غیره که باید در مشاغل آزاد، بانک‌ها، هتل‌ها و بیمارستان‌ها به کار پردازند نمی‌شد. (باومن و کلارک، ۱۳۶۹: ۳۶)

ارسال وجه

عزیمت نیروی کار هندی به خاورمیانه و کشورهای حوزه خلیج فارس ارتباط تنگاتنگی داشت با وجوهی که این مهاجرین به کشور ارسال می‌داشتند. جدول شماره ۵ (پیوست) جزئیات وجوه ارسالی به هند را از منابع گوناگون بین سال‌های ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳ هـ. ش) و ۱۹۸۵ م (۱۳۶۴ هـ. ش) ارزیابی می‌کند. این جدول گویای آن است که ۲۵۹ میلیون روپیه و حدود ۱۱ درصد از جمع کل وجوه ارسالی در سال‌های ۷۵-۱۹۷۴ م (۱۳۵۳-۵۴ هـ. ش) از بخش خاورمیانه ای آن سوی دریای هند بوده است و وجوه ارسالی بعد از آن افزایش چشمگیری یافت و به بیش از ۵۰ درصد، در سال ۷۸-۱۹۷۷ م (۱۳۵۶-۵۷ هـ. ش) رسید. واضح است که وجوه ارسالی خاورمیانه بعنوان یک منبع مهم درآمد نقش مهمی در سهولت موازنه پرداخت‌های هند در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی داشت. و این کشور را به بهره‌مندی از یک ذخیره ارزی نسبتاً بزرگ برای یک دوره قابل ملاحظه قادر ساخت. به هر حال باید توجه داشت که درآمد ناخالص وجوه ارسالی تنها ۱/۵ درصد تولید ناخالص داخلی هند (GDP) را در نیمه دهه ۸۰ م تشکیل می‌داد. که وجوه ارسالی در نقطه اوج بود. (Deepak nayyar, 1988, p: 50)

به طور خلاصه وجوه ارسالی که یک متخصص هندی از خاورمیانه می‌فرستاد کمی بیش از یک "تأثیر ملایم" بر وضعیت تعادل پرداختی هند داشت. (فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۶۶: ۲۴۷) از طرف دیگر وجوه ارسالی از



خاورمیانه نه تنها پشتوانه‌ای برای حمایت خانواده‌ها بود. بلکه باعث می‌شد کارگراها به طور قطع به دلیل ماهیت موقتی مهاجرت پس انداز خود را نیز به کشور برگردانند که این یکی از دلایل عمده سود و منفعت وجوه ارسالی کلان از خاورمیانه در طول دوره موردنظر بود. و لازم است که یاد آور شویم که بخش بزرگ‌تری از وجوه ارسالی خاورمیانه‌ای هند برای پرداخت واردات نفتی از خاورمیانه استفاده می‌گردید. (Mudiam, 1991, p:301)

نفت

یکی از نزدیک‌ترین مناطقی که می‌تواند نیاز گسترده هند به واردات نفت را تأمین کند، منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است. لذا برای تأمین این هدف، هند نیازمند دنبال کردن روابط راهبردی خود با کشورهای تولیدکننده نفت در این مناطق می‌باشد، نظر به اهمیت دستیابی به امنیت انرژی، سه انگیزه اصلی در قفای منافع هند در منطقه خلیج فارس وجود دارد، نخست نیاز این کشور به انرژی وارداتی، دوم ملاحظات امنیتی از منظر ژئوپلیتیک منطقه و سوم تلاش هند برای برپا داری توازن قوا میان دو کشور همسایه خود یعنی پاکستان و چین بود که ضرورت حضور فعال هند را در این منطقه افزون می‌کند. (فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۹۱) از این روی، وابستگی هند به واردات نفت از کشورهای خاورمیانه بخش مهمی از روابط هند با منطقه را تشکیل می‌دهد. جدول‌های ۶، ۷، ۸ (پیوست) واردات نفت خام هند را از سال ۱۹۷۱-۷۲ م (۵۱-۱۳۵۰ ه. ش) و ۸۸-۱۹۸۵ م (۶۷-۱۳۶۴ ه. ش) را نشان می‌دهد. علاوه بر این، جدول ۶ تقاضای واردات نفت خام هند از ۱۹۷۱-۷۲ م (۵۱-۱۳۵۰ ه. ش) و ۷۷-۱۹۷۶ م (۵۶-۱۳۵۵ ه. ش) از ۵ کشور خاورمیانه بنام‌های ایران، عراق، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر را نشان می‌دهد. هند تصمیم عاقلانه‌ای برای تنوع بخشیدن به واردات نفتی خود از سال ۱۹۷۷ م (۱۳۵۶ ه. ش) به بعد به دلایل اقتصادی و سیاسی گرفت. واردات نفتی هند از آن پس نه تنها در میان بیش از نیمی از کشورهای آسیایی توزیع شد بلکه $\frac{1}{3}$ از آن‌ها از کشورهای غیرخاورمیانه‌ای بودند. همچنین هند در طول دوره مشابه به طور روشن تلاش موفقیت آمیز برای کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه، به دلایل سیاسی و اقتصادی داشت. جدول شماره ۹ (پیوست) تولید نفت خام هند را بین سال‌های ۸۰-۷۹ م (۵۹-۱۳۵۸ ه. ش) و ۸۷-۸۶ م (۶۶-۱۳۶۵ ه. ش) را نشان می‌دهد. تولید نفت خام از ۸۷-۱۹۷۰ م (۶۶-۱۳۴۹ ه. ش) ۵۵ درصد افزایش یافت و از $\frac{6}{8}$ میلیون تن به $\frac{10}{51}$ میلیون تن رسید. در دو سال بعد تولید دو برابر شد و به $\frac{21}{1}$ میلیون تن رسید. در سال‌های ۸۴-۸۳ م (۶۳-۱۳۶۲ ه. ش) یک افزایش ۲۴ درصد بدست آمد و تولید به $\frac{26}{0}$ میلیون تن رسید.

(Economic Survey, 1984-85, New Delhi, pp:20-21)

در طول ۸۴-۸۵ م (۶۴-۱۳۶۳ ه. ش) تولید نفت خام تا $\frac{11}{4}\%$ افزایش یافت و به ۲۹ میلیون تن رسید. در نتیجه افزایش تولید نفت، سطح خودکفایی در نفت را در حدود ۷۰ درصد در طول سال‌های ۸۵-۸۰ م (۶۴-۱۳۵۹ ه. ش)

بهبود بخشید. (Economic Survey, 1984-85, New Delhi, p: 24)

باید یادآور شد، هند هرگز مشکلی در ارتباط با عرضه کنندگان نفت نداشته است حتی در طول دو جنگ هند و پاکستان در ۱۹۶۵ م (۱۳۴۴ ه. ش) و ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ه. ش) وقتی که کشورهای مسلمان خاورمیانه و خلیج فارس حمایت



سیاسی از پاکستان داشتند، جریان عرضه نفت به هند هرگز قطع نشد. مشکل اساسی هند قیمت بالای نفت بود. به هر حال کشورهای خاورمیانه بی شک یک سیستم قیمت دوگانه برای نفت داشتند یکی برای کشورهای در حال توسعه و دیگری برای بقیه کشورها، از این رو افزایش قیمت نفت معمولاً با عزم نیروهای بازار صورت می‌گرفت و حمایت سیاسی هند از عرب‌ها در جنگ اعراب و اسرائیل نیز براین روند بی تأثیر نبود. (Mudiam, 1991, pp:301-3)

صادرات

صادرات هند در سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۹ از کیفیت بالایی برخوردار شد. صادرات کالاهای غیر سنتی هند بخصوص کالاهای مهندسی و ماشین آلات در این سال‌ها افزایش می‌یابد. این کالاها بیشتر به بازارهای آسیای جنوب شرقی و کشورهای خاورمیانه عرضه می‌شود. اقلام صادراتی شامل: سیم و کابل برق، محصولات چدنی، پایه و خطوط انتقال برق، ابراز و ماشین آلات، واگن‌های باری و مسافربری راه آهن، اتوبوس، کامیون و همچنین کالاهای مصرفی مانند: چرخ خیاطی، دو چرخه، یدکی دو چرخه، پنکه و قطعات اتومبیل بوده است. صادرات آهن و فولاد نیز افزایش قابل توجهی داشته و کشورهای خلیج فارس و خاور دور از خریداران عمده این کالاها هستند. صادرات هند در مورد کالاهای غیر صنعتی مانند لوازم آرایشی، روغن‌های طبی، مواد شیمیایی و دارو نیز افزایش داشته است. (آئینه هند، ۱۱: ۱۳۵۲)

جدول ۳: صادرات هند در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۹

منطقه	سال	میلیون روپیه
آسیایی، اقیانوسیه و خاورمیانه	۱۹۶۷_۶۸	۳۱۶۰
آسیایی، اقیانوسیه و خاورمیانه	۱۹۶۸_۶۹	۴۱۲۰
خاورمیانه	۱۹۶۷_۶۸	۴۴۵
خاورمیانه	۱۹۶۸_۶۹	۶۷۲

منبع: (آئینه هند، ۱۳۵۲: ۱۶)

جدول ۴: صادرات هند در سال ۱۹۶۷_۶۹ به خاورمیانه

کشور	میلیون روپیه در سال ۱۹۶۸_۶۹	میلیون روپیه در سال ۱۹۶۷_۶۸
کویت	۱۸۳	۱۲۳
عراق	۱۱۵	۴۸
عربستان	۱۱۰	۵۹
یمن جنوبی	۷۷	۵۳

قطر	۷۰	۴۴
-----	----	----

منبع (آئینه هند، ۱۳۵۲:۱۶)

در سال ۱۹۷۲ ایران، عراق، عربستان و بحرین از جمله وارد کنندگان عمده وسایل نقلیه موتوری و لوازم جانبی آن از هند می‌باشند و بحرین و کویت لوازم ورزشی خود را هم از هند وارد می‌کردند. (آئینه هند، ۱۳۵۲:۲۲)

نتیجه‌گیری

منطقه خلیج فارس همواره از جهت‌های متعدد برای هند دارای اهمیت بوده است. هند با دارا بودن درصد بالایی از جمعیت مسلمان، همواره در تلاش بوده است تا از حمایت‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس بهره‌مند شود. از جمله عوامل توجه هند به این منطقه عبارت‌اند از: نیاز روز افزون کشور به منابع انرژی کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج فارس، وجود کشورهای ثروتمند نفت خیز که می‌توانست بازار مناسبی برای کالاهای صادراتی این کشور باشد، استفاده از نیروی کار متخصص برای ورود به بازار پر رونق کار در منطقه خلیج فارس، سود سرشار از صدور عواید حاصل از درآمد نیروی مهاجر به داخل کشور، سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های صنعتی مشترک با کشورهای منطقه. البته کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز به تکنولوژی فعال و نیروی متخصص هند نیز نیازمند بودند و در واقع تلاشی دو سویه در جهت توسعه روابط بود.

از این رو، در سالهای مورد تحقیق، روابط فزاینده هند با کشورهای حوزه خلیج فارس با موفقیت‌های عمده روبرو بوده است. با توجه به سابقه تاریخی و تمرکز قدرت اقتصادی به خصوص در سواحل جنوبی خلیج فارس، تحرک و فرصتی مناسب برای هند بوجود آمد تا همکاری‌های بازرگانی خود را عمیقاً توسعه بخشد.

بین سال‌های (۱۹۷۳ - ۱۹۷۸) قیمت نفت افزایش چشمگیری یافت (تقریباً ۵ برابر)، هند نیز برای حفظ موازنه ارزی حجم صادرات خود را به کشورهای حاشیه خلیج فارس به همان نسبت افزایش داد و در عین حال سیاست اقتصادی جدیدی را پایه‌گذاری کرد. هند با کمک پشتوانه و سرمایه‌گذاری‌های کشورهای خارجی و با استخدام چند صد هزار نفر، منابع طبیعی خود را استخراج و از آن بهره‌برداری کرد. نتیجه عملی این سیاست جدید اقتصادی، توازن پرداخت‌های ارزی و افزایش ذخیره آن بود.

چند سال بعد، تصور کشورهای حوزه خلیج فارس به طور قابل ملاحظه‌ای درباره هند تغییر کرد و نقش هند در صحنه بین‌المللی نمایان‌گشت. در نتیجه در پایان سال ۱۹۷۸ هیئت مشترکی از کشورهای عربی مرکب از مقامات وزارت بازرگانی، صنایع و کشاورزی از هند دیدن کردند. هدف این هیئت توسعه همکاری‌های بازرگانی و ایجاد سرمایه‌گذاری برای اجرای طرح‌های مشترک و امکان همکاری‌های فنی و یافتن بازارهای جدید و همچنین ارزیابی توانایی هند در زمینه صدور کالاهای کشاورزی به این مناطق بود. بین سال‌های (۱۹۷۳ - ۷۸) سه دوره مهم از روابط





اقتصادی هند با کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌توان مشخص نمود: دوره اول بین سالهای (۱۹۷۳ - ۷۵)، که ایران بهترین مشتری برای کالاهای صنعتی ساخت هند بود. شاه با گشاده دستی و بلند نظری قابل ملاحظه‌ای در مساعدت به این کشور و شرکت دادن آن در اجرای طرح‌های مشترک نقش بسزایی داشت. دوره دوم، بین سالهای (۱۹۷۵ - ۷۷)، مهاجرت نیروی انسانی هندی به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به اوج تازه‌ای رسید و این خود عامل مهمی برای بهبود اقتصاد هند به شمار می‌رفت و سود سرشار از عواید حاصله از این منطقه را وارد هند می‌کرد. دوره سوم، بعد از سال ۱۹۷۷ توجه هند به سرمایه‌گذاری در طرح‌های صنعتی کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی مبدول گردید.

بازرگانی با ایران، برای هند، به تدریج نتایج درخشانی به وجود آورد زیرا اقتصاد این دو کشور مکمل یکدیگر بود. دیدار شاه از دهلی نو در فوریه ۱۹۷۸ این امیدواری را به هند داد که بتواند در طرح‌های ذوب آهن، آلومینیوم و آبیاری شرکت و ۴۰ درصد از نیاز نفت خام خود را از ایران تأمین کند و توازن بازرگانی را برقرار سازد.

در این دوره، عراق به عنوان منبع اصلی تأمین نیازهای نفتی هند، موجبات افزایش مناسبات دو جانبه را فراهم کرد. تقویت مناسبات هند و عراق به تدریج گسترش یافت. البته افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی در انگیزه هند بی تأثیر نبود.

از نظر تعاملات سیاسی هند با کشورهای حاشیه خلیج فارس، روابط هند و ایران واکنشی به تنش‌های میان هند و پاکستان بود. مواضع حمایتی ایران از پاکستان تأثیر مستقیمی بر مناسبات ایران و هند داشت و گاه به سردی و تیرگی روابط منجر می‌شد اما هرگز باعث قطع روابط دو کشور نشد. به نظر می‌رسد که کشور هند و عراق در اعمال سیاست‌های خارجی خود وجه تشابهی دارند. در عین حال نزدیکی این دو دولت با شوروی، هر دو از نفوذ کمونیسم در کشور به خصوص در نیروهای مسلح خود بیمناک بودند. این دو کشور در رابطه با کشورهای غیر متعهد و شمال جنوب به طور کلی نزدیک به هم می‌باشند. در بقیه کشورهای عربی این حوزه بخصوص عربستان سعودی، تشابه سیاسی مشترک با هند کمتر دیده می‌شود. دیدگاه سیاستمداران هند به عربستان سعودی به عنوان تجلیگاه جهان اسلام و متولی حرم امن الهی مسلمانان، در جهت جلب حمایت مسلمانان داخل و خارج از کشور و همچنین مسئله کشمیر، توأم با عزت و احترام بود. اما به هر حال اقتصاد و تکنولوژی فعال هند، به نحو روزافزونی جای خود را باز کرده و شناخته شده و مورد استفاده این کشورها قرار گرفته است.

سهم هند از مجموع واردات کشورهای خاورمیانه

مجموع واردات هر کشور میلیون دلار	صادرات هند به هر کشور میلیون دلار			سهم % هند از صادرات به هر کشور					
	۱۹۹۵	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۵۵	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۵۵	۱۹۷۵	۱۹۸۵
بحرین	۱۷۴			۴.۸	۲۱.۰	۳۲.۵	۲.۷۶	۱.۷۵	۱.۰۳
ایران				۱۱.۰	۳۲۵.۰	۷۷.۵	۳.۲۶	۳.۱۴	۰.۶۷
عراق				۴.۸	۷۶.۰	۲۹.۰	۱.۷۶	۱.۸۰	۰.۲۷
کویت				۷.۴	۵۶.۰	۹۹.۸	۷.۸۷	۲.۳۴	۱.۶۸
عمان	۸			۱.۴	۲۳.۰	۵۲.۷	۱۷.۵۰	۲.۲۰	۱.۷۱
قطر				۲.۹	۱۳.۰	۲۶.۵	۱۷.۰۶	۳.۱۷	۲.۲۸
عربستان سعودی				۱.۳	۷۲.۰	۲۱۵.۶	۰.۵۳	۱.۷۱	۰.۶۴
امارات متحده	NA			NA	۷۹.۰	۲۳۵.۶	NA	۲.۹۶	۳.۳۵
یمن شمالی				NA	۱۹.۰	۲۱.۸	NA	۶.۴۶	۰.۷۴
یمن جنوبی				۱۱.۲	۹.۰	۱۹.۷	۵.۳۳	۲.۸۸	۱.۲۳
جمع				۴۴.۸	۶۹۴.۰	۸۱۰.۷	۳.۲۷	۲.۷۶	۱.۰۰

منبع: South, March, 1988, p.33.

خروج سالیانه نیروی کار از هند: ۸۶-۱۹۷۶

سال	تعداد
۱۹۷۶	۴۲۰۰
۱۹۷۷	۲۲۹۰۰
۱۹۷۸	۶۹۰۰۰
۱۹۷۹	۱۷۱۰۰۰
۱۹۸۰	۲۳۶۲۰۰
۱۹۸۱	۲۷۶۰۰۰
۱۹۸۲	۲۳۹۵۴۵
۱۹۸۳	۲۲۴۹۹۵
۱۹۸۴	۲۰۵۹۲۲
۱۹۸۵	۱۶۳۰۳۵
۱۹۸۶	۱۱۳۶۴۹



منبع: Ministry of labour, Government of India, New Delhi.

کشور	۱۹۷۵	۱۹۷۹	۱۹۸۳	۱۹۸۷
بحرین	۱۷۲۵۰	۲۶۰۰۰	۳۰۰۰۰	۷۷۰۰۰
عراق	۷۵۰۰	۲۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۳۵۰۰۰
کویت	۳۲۱۰۵	۶۵۰۰۰	۱۱۵۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
لیبی	۱۱۰۰	۱۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۲۵۰۰۰
عمان	۳۸۵۰۰	۶۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۸۴۰۰۰
قطر	۲۷۸۰۰	۳۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
عربستان سعودی	۳۴۵۰۰	۱۰۰۰۰۰	۲۷۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰
امارات متحده	۱۰۷۵۰۰	۱۵۲۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۲۲۵۰۰۰
سایر	--	۳۸۰۰۰	۲۱۰۰۰	۲۱۰۰۰
جمع	۲۶۶۲۵۵	۵۰۱۰۰۰	۹۱۶۰۰۰	۹۵۷۰۰۰

ارزیابی جمعیت مهاجر هند در خاورمیانه

منبع: Deepak Nayyar, New Delhi, 1989, p:14.

ترکیب مهارتی نیروی کار مهاجر هند

	۱۹۸۴		۱۹۸۵		۱۹۸۶	
	% تعداد		% تعداد		% تعداد	
نیروی کار غیرمتخصص (ساده)	۸۸۵۷۵	۴۳.۰	۵۵۷۱۰	۳۴.۲	۴۵۵۷۷	۴۰.۱
نیروی کار متخصص	۸۶۰۴۱	۴۱.۸	۸۶۰۳۷	۵۲.۸	۵۳۴۳۲	۴۷.۰
نیروی کار دفتری یا اداری	۷۴۷۷	۳.۶	۵۷۵۳	۳.۵	۷۳۵۱	۶.۵
نیروی کار فوق تخصص	۶۴۹۵	۳.۲	۷۳۷۸	۴.۵	۵۹۵۸	۵.۲
سایر	۱۷۳۶۱	۸.۴	۸۱۵۷	۵.۰	۱۳۳۱	۱.۲
جمع	۲۰۵۹۲۲	۱۰۰.۰	۱۶۳۰۳۵	۱۰۰.۰	۱۱۱۳۶۴۹	۱۰۰.۰

منبع: Ministry of labour, Government of India, New Delhi.

۳-	۱۹۷۱-۷۲	۱۹۷۲-۷۳	۱۹۷۳-۷۴	۱۹۷۴-۷۵	۱۹۷۵-۷۶	۱۹۷۶-۷۷
----	---------	---------	---------	---------	---------	---------

ارزیابی وجوه ارسالی از منبع به هند: ۱۹۷۴-۸۵

سال	آمریکای شمالی	اروپای غربی	بریتانیا و استرالیا	نفت خاورمیانه - کشورهای صادرکننده	سایر کشورهای توسعه یافته	جمع وجوه ارسالی میلیون. روپیه	% وجوه ارسالی خاورمیانه
۱۹۷۳-۷۴	۴۳۲	۱۸۹	۴۴۲	۷۴	۲۸۷	۱۴۲۴	۵.۲۰
۱۹۷۴-۷۵	۶۷۰	۳۴۹	۴۴۳	۲۵۹	۴۸۱	۲۲۰۲	۱۱.۷۶
۱۹۷۵-۷۶	۱۱۰۵	۵۰۲	۶۲۰	۱۳۱۶	۶۹۴	۴۲۳۷	۳۱.۰۶
۱۹۷۶-۷۷	۱۶۵۱	۶۶۴	۵۹۰	۲۷۰۴	۶۲۸	۶۲۳۷	۴۳.۳۵
۱۹۷۷-۷۸	۱۳۸۲	۷۸۶	۱۰۲۶	۴۸۶۸	۱۱۱۱	۹۱۷۳	۵۳.۰۷
۱۹۷۸-۷۹	۱۵۶۶	۹۴۹	۱۰۱۳	۴۸۱۳	۱۰۹۷	۹۴۳۸	۵۱.۰۰
۱۹۷۹-۸۰	۲۲۱۰	۱۱۹۲	۱۶۳۱	۷۹۰۴	۱۷۸۴	۱۴۷۲۱	۵۳.۶۹
۱۹۸۰-۸۱	۲۱۰۰	۱۶۸۴	۲۵۴۸	۱۲۱۹۴	۲۷۷۱	۲۱۲۹۷	۵۷.۲۶
۱۹۸۱-۸۲	۳۳۵۵	۱۸۶۶	۲۱۹۵	۱۰۹۷۵	۲۴۳۸	۲۰۸۲۹	۵۲.۶۹
۱۹۸۲-۸۳	۳۳۶۳	۱۸۲۸	۲۴۹۴	۱۳۷۰۸	۲۹۱۵	۲۴۳۰۸	۵۶.۳۹
۱۹۸۳-۸۴	۳۸۷۱	۲۱۱۹	۲۴۶۰	۱۵۰۰۰	۳۰۳۳	۲۶۴۸۳	۵۶.۶۴
۱۹۸۴-۸۵	۴۵۸۹	۲۲۲۰	۲۵۵۰	۱۷۱۴۰	۳۳۲۰	۲۹۸۱۹	۵۷.۴۸

منبع: Deepak Nayyar, op.cit., p.26.





جمع	مصر	امارات عربی متحده	عربستان سعودی	عراق	ایران	کمیت
۱۲۹۵۱	-	-	۲۸۹۷	۴۰	۱۰۰۱۴	کمیت
۱۴۷.۰۲	-	-	۳۰.۳۹	۰.۱۵	۱۱۶.۱۲	ارزش
۱۲۰۸۴	-	-	۲۴۸۹	۲۱۳	۹۳۸۲	کمیت
۱۴۶.۳۷	-	-	۲۸.۹۱	۳.۷۱	۱۱۳.۷۵	ارزش
۱۳۸۷۴	-	-	۳۸۲۱	۱۱۶۸	۸۸۸۵	کمیت
۴۱۶.۳۹	-	-	۱۱۶.۴۸	۴۹.۸۷	۲۵۰.۴	ارزش
۱۴۰۱۶	-	-	۴۴۵۷	۳۰۹۹	۶۴۶۰	کمیت
۹۱۶.۹۹	-	-	۲۷۳.۷۵	۲۱۷.۲۲	۴۲۶.۰۲	ارزش
۱۰۵۱.۷	-	۱۲۴۶	۳۸۱۷	۲۷۷۹	۵۷۸۲	کمیت
۶	-	۱۰۱.۸۵	۲۷۹.۱۷	۲۱۹.۶۵	۴۵۱.۰۹	ارزش
۱۰۵۱.۷	-	۹۶۷	۴۰۲۸	۲۹۸۴	۵۹۹۲	کمیت
۱۴۰۴۸	۷۷	۹۰۹۲	۳۲۲.۰۵	۲۴۷.۰۱	۵۰۹.۷۰	ارزش
۱۱۷۵.۹	۶.۲۳	۹۰.۹۲	۳۲۲.۰۵	۲۴۷.۰۱	۵۰۹.۷۰	ارزش
۱						ارزش

نفت خام وارداتی از کشورهای نفت خیز از سال ۷۲-۱۹۷۱ تا ۷۷-۱۹۷۶: کرور / رویه: ارزش؛ تن

منبع: Ministry of petroleum and chemicals Government of India, New Delhi.

نفت خام وارداتی از کشورهای نفت خیز (کرور. رویه: تن .۰۰۰ کمیت)

کشمور	۱۹۷۷-۷۸		۱۹۷۸-۷۹		۱۹۷۹-۸۰		۱۹۸۰-۸۱		۱۹۸۱-۸۲		۱۹۸۲-۸۳	
	کمیت	ارزش	کمیت	ارزش	کمیت	ارزش	کمیت	ارزش	کمیت	ارزش	کمیت	ارزش
ایران	۶۱۹۱	۵۳۷.۹۹	۳۶۰۱	۲۹۹.۳۷	۳۷۱۴	۵۷۴.۳۴	۵۹۰۱	۱۲۸۱.۹۱	۵۰۳۵	۱۲۴۶.۰۹	۳۴۵۶	۷۹۷.۷۸
عراق	۳۳۴۹	۲۸۸.۴۲	۵۹۸۱	۵۳۰.۰۷	۵۷۵۸	۷۱۲.۵۸	۳۶۲۹	۶۷۵.۹۴	۱۶۲۳	۴۰۰.۹۲	۳۴۴۵	۸۷۶.۴۵
عربستان سعودی	۲۹۴۱	۲۴۲.۳۴	۲۴۱۰	۱۹۳.۲۲	۳۰۱۷	۳۵۲.۲۵	۲۵۲۰	۵۰۳.۴۴	۳۶۸۰	۸۱۵.۶۸	۶۱۸۹	۱۴۳۱.۸۱
امارات	۸۷۲	۷۹.۶۸	۱۱۱۷	۹۹.۸۸	۱۴۱۷	۱۹۸.۴۲	۱۵۵۳	۳۲۶.۳۹	۱۶۰۵	۴۱۰.۸۴	۱۱۹۶	۳۰۷.۴۲
شوروی	۹۶۲	۸۲.۹۰	۱۵۴۱	۱۲۸.۶۳	۱۹۹۸	۲۷۵.۶۱	۱۷۸۲	۳۲۲.۹۷	۲۰۰۰	۴۹۳.۳۰	۲۵۸۸	۶۱۰.۸۰
قطر	-	-	-	-	۲۱۷	۲۴.۳۳	۱۹	۳.۹۹	-	-	-	-
کویت	-	-	-	-	-	-	۴۱۹	۹۲.۹۳	-	-	-	-
مصر	۱۹۲	۱۴.۸۷	-	-	-	-	۵۰	۸.۳۰	-	-	-	-
الجزایر	-	-	-	-	-	-	۱۹۵	۵۳.۲۹	۷۹۲	۲۲۵.۵۲	-	-
مالزی	-	-	-	-	-	-	۵۱	۱۱.۴۲	-	-	-	-
مکزیک	-	-	-	-	-	-	۱۲۹	۲۸.۳۹	-	-	-	-
ونزوئلا	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۶۳	۱۴۴.۰۳	۷۵	۱۹.۴۸
جمع	۱۴۵۰۷	۱۲۴۶.۲۰	۱۴۶۵۷	۱۲۵۱.۱۷	۱۶۱۲۱	۲۱۸۷.۵۳	۱۶۲۲۸	۳۳۴۸.۹۷	۱۵۲۹۸	۳۷۳۶.۳۸	۱۶۹۴۹	۴۰۴۳.۷۴

منبع: Mudiam, (1991), P: 313.





نفت خام وارداتی از کشورهای نفت خیز (کرور، روپیه: ارزش: تن .۰۰۰۰ کمیت)

کشور	۱۹۸۳-۸۴		۱۹۸۴-۸۵		۱۹۸۵-۸۶	
	کمیت	ارزش	کمیت	ارزش	کمیت	ارزش
ایران	۳۳۴۰	۷۴۳.۴۲	۱۸۴۰	۴۶۸.۸۲	۳۴۵۶	۸۶۸.۳۲
عراق	۳۵۰۰	۷۷۸.۳۶	۲۶۵۰	۶۶۸.۰۲	۲۱۴۷	۵۴۱.۰۵
عربستان سعودی	۴۶۰۰	۱۰۱۰.۲۲	۴۵۲۰	۱۱۲۱.۲۸	۲۳۹۸	۵۹۵.۱۴
امارات عربی متحده	۹۷۰	۲۱۸.۹۷	۵۴۰	۱۳۴.۵۶	۲۱۷۳	۵۰۳.۷۰
اتحاد جماهیر شوروی	۳۴۳۰	۷۶۱.۷۰	۳۱۱۰	۷۹۲.۵۴	۲۵۷۰	۶۴۷.۲۵
مصر	-	-	-	-	۵۱۴	۱۱۴.۹۵
قطر	-	-	-	-	-	-
کویت	۵۰	۱۰.۲۷	۳۷۰	۸۲.۵۸	۳۰۲	۵۹.۷۷
عمان	-	-	۶۱۰	۱۶۲.۵۴	۱۵۸۴	۳۵۶.۶۱
الجزایر	-	-	-	-	-	-
مالزی	-	-	-	-	-	-
مکزیک	-	-	-	-	-	-
ونزوئلا	-	-	-	-	-	-
منطقه بی طرف	۸۰	۱۸.۱۱	-	-	-	-
جمع	۱۵۹۷۰	۳۵۴۱.۰۵	۱۳۶۴۰	۳۴۳۰.۳۴	۱۵۱۴۴	۳۶۸۶.۷۹

منبع: Mudiam, (1991), P: 314.

تولید نفت خام هند از ۱۹۸۶-۸۷ تا ۱۹۷۹-۸۰ میلیون تن

۱۹۷۹-۸۰	۸۰-۸۱	۸۱-۸۲	۸۲-۸۳	۸۳-۸۴	۸۴-۸۵	۸۵-۸۶	۸۶-۸۷
۱۱.۸	۱۰.۵	۱۶.۲	۲۱.۱	۲۶.۰	۲۹.۰۰	۳۰.۲	۳۰.۵

منبع: Economic survey 1984-85, P.17. Economic survey 1987-88, p.25.

منابع

- آیینة هند (۱۳۵۰). سال هشتم، نشریه اداره اطلاعات هند- تهران: چاپ سکه.
- _____ (آذر - دی ۱۳۵۲). «همکاری اقتصادی ایران و هند»، نشریه اداره اطلاعات هند، سال دهم، شماره هشتم، تهران: چاپ سکه.
- _____ (بهمن و اسفند ۱۳۵۲). اخبار هند، شماره نهم، نشریه اداره اطلاعات هند، تهران: چاپ سکه.
- باومن لاری و، یان کلارک (۱۳۶۹). اقیانوس هند در سیاست جهانی، ترجمه گروه مترجمین نشر قومس، تهران: نشر قومس.
- بهروزان، گیلہ گل (۱۳۷۹). هند، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- س.م بورک- لارنس زایرینگ (۱۳۷۷). تاریخ روابط خارجی پاکستان، ترجمه ایرج وفايي، تهران: کویر.
- دستمالچی، اصغر (۱۳۹۳). تاریخ روابط ایران و هند، تهران: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- عابدی، آ (۱۳۸۲). «روابط ایران و هند از ۱۹۷۹-۱۹۴۷»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، فصلنامه ژئوپلتیک، س ۲، ش ۲.
- فرح ناز (تابستان ۱۳۸۰). «روابط ایران و هند ۲۰۰۰-۱۹۴۷»، ترجمه اسماعیل شفیعی، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۲.
- منابع لاتین
- Agwni M.S, India, Pakistan and West Asia, International studies.
- _____ (1976) Indian and The Arab world, New Delhi.
- Deepak Nayar, (1988), International labor Migration From India: -Macro - Economic Analysis, Asian Regional Programme On International labor Migration, U.N, New Delhi.
- Gauri, Farah Naaz, (2013), "Indo- Saudi Trade Relation.", Strategic Analysis, . Vol.23. No2. May.
- Girijeshe.Pant (1987), "Indo - Golf Economic Relations: Aprofile", International Studies, April 1987
- Jawaherlal Nehru, India`s Foreign Policy: selected Speeches, sept,1946 - April.1961.
- Marcus Franda, (1978), India, Iran And The Gulf, American Universities Field Staff Reports, Hanover.
- Economic survey, (1984 -85), New Delhi.





_____ (1987 -88). New Delhi.

Mudiam, Prithviiram, (1991), *India And The Middle East: Constancy of Policy In the Context of Changing Perspectives*, 1947 -1986, London.

. Jorfi, Abdul Amir (1995), " India And Iran Two Powers ", *Strategic Analysis*, Vol. 43. No2.

روزنامه‌های لاتین

The Hindu, 7 April 1973.

The Hindustan Times 24 Aug. 1973.

The Indian Express, 10 Nov 1973.

Mother Land, 6 Nov 1973.

